

نشستی با چاشنی تحول

هر سه جریان داخلی سنت‌گرایان، روشن‌فکران و نواندیشان در جلسه با رئیس‌جمهور منتخب حضور داشتند و دغدغه‌های خود را به دکتر پزشکیان منتقل کردند. این ابتکاری نو، اتفاقی جدید و مبارک است که سه جریان فکری آن‌گونه که در گفته‌هایشان آمده، در یک نقطه (تغییر و تحول اساسی) در بخش‌های مختلف اشتراک و اتفاق نظر دارند.

به گزارش سایت خبری پرسون، اهتمام حجج‌اسلام و المسلمین سید محمد قادری و ربیع‌الله کمری در برگزاری نشست گروهی از بزرگان و طلاب حوزه علمیه قم با ریاست‌جمهور منتخب و محبوب، کم‌و‌کیفاً شایسته ارج و تقدیر است.

هر سه جریان داخلی سنت‌گرایان، روشن‌فکران و نواندیشان در جلسه حضور داشتند و دغدغه‌های خود را به دکتر پزشکیان منتقل کردند.

این ابتکاری نو، اتفاقی جدید و مبارک است که سه جریان فکری آن‌گونه که در گفته‌هایشان آمده، در یک نقطه (تغییر و تحول اساسی) در بخش‌های مختلف اشتراک و اتفاق نظر دارند.

پر واضح است که «سنت‌گرایان نمی‌توانند به تنهایی مسائلی روز و چالش‌های کنونی [جهان مدرن] را درک و حل کنند و به آن‌ها متناسب با شرایط روز جواب دهند.

از طرفی جریان روشن‌فکران و نوگرایان هرچند نیازهای زمان را و صورت مسئله را می‌فهمند ولی مشکلات دیگری دارند که نمی‌توانند به‌درستی با فضای عمومی حوزه علمیه رابطه نزدیک برقرار کنند و آن‌ها را برای یک تحول اساسی در علوم و افکار متناسب با زمان بسیج نمایند.»

به همین خاطر جریان‌های مزبور چاره‌ای جز نزدیک شدن به هم و مدد به یکدیگر ندارند.

تغییر و تحول و تحول‌خواهی کار آسانی نیست. به ویژه در جوامع حوزوی و شبه حوزوی که پاره‌ای سنت‌ها و رسوم بر آن غلبه دارد و تقلید در آن مسلط است.

شیوه عملی که بزرگان حوزه می‌توانند از آن بهره بگیرند و به اهداف یادشده نایل آید، تنها در چارچوب گفتگویی می‌تواند تحقق پذیرد که زبان نفی و هدم نباشد. یکباره، دفعی و با قطعیت دآوری نکند.

به قول مرحوم مهندس بازرگان؛ زبانی که برپا دارنده جنگ میان "حق مطلق" و "باطل مطلق" نباشد، در غیر این‌صورت هیچ حرکتی متناسب با این هدف به نظر نمی‌رسد.

وجه اجتماعی رسالت بزرگان حوزه باید با کارکرد روشن‌فکران و نواندیشان دینی همسان یا لااقل بسیار نزدیک باشد تا بتواند هم موثر افتد و هم از زمان عقب نیفتد.

عموم روشن‌فکران و نواندیشان حوزوی نظیر اساتیدی چون ایازی، سروش محلاتی، سید مجتبی نورمفیدی، علیدوست، فاضل میبیدی، مهریزی، قاضی‌زاده و مرتضی جوادی آملی دیگران، عموماً معتقدند؛

باید از "زبان" به مثابه ساز و کار متناسب با رسالت بزرگ حوزه که در امتداد رسالت انبیاء الهی است بهره گرفت و زبان مردم را شناخت و آن را به کار گرفت.

نگارنده بر این باور است که اگر اراده‌ای برای به کارگیری لسان انبیاء - که همان لسان قوم است - وجود داشته باشد با کمک تحول در زبان دین و زبان روشن‌فکران دینی، موانع عقب ماندگی تاریخی در همه عرصه‌های فرهنگ دینی و حتی مسلمانان مرتفع می‌شود یا به حداقل می‌رسد.

سر آخر آن‌گونه که جناب استاد هادی قابل گفته است؛ این جمع نه همه حوزه که حوزه طیف وسیعی با اندیشه‌های گوناگون است.

اما تداوم چنین نشست‌هایی با انتخاب نماینده‌ای قوی و رابطی نوگرا از همین دست و با همین نگاه برای ایجاد رابطه متقابل دولت مردان و نهادهای فرهنگی با حوزویان و انعکاس آن در سطح بین‌الملل ضروری و کار ساز است.